

## رابطه هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ

کجه زینب وفائی\* / قاسم عسکری زاده\*\* / عباس رحمتی\*\*\*

### چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی رابطه هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ در دانشجویان انجام شده است. بدین منظور، نمونه‌ای به حجم ۳۷۵ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از جامعه آماری مورد پژوهش (دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ انتخاب شده و برای جمع‌آوری داده‌ها از فرم پنجم پرسش‌نامه هیجان خواهی زاگرم، پرسش‌نامه شوخ طبعی مارتین، پرسش‌نامه نگرش مذهبی خدایاری فرد و پرسش‌نامه اضطراب مرگ تمپلر استفاده شده است. داده‌ها با شاخص‌های آماری، چون همبستگی و رگرسیون تحلیل شده است. نتایج تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که رابطه منفی معناداری ( $r = -0/363$ )، بین هیجان خواهی با اضطراب مرگ رابطه مثبت معناداری ( $r = 0/408$ ) بین شوخ طبعی با اضطراب مرگ و رابطه منفی معناداری ( $r = 0/380$ ) بین نگرش دینی با اضطراب مرگ وجود دارد ( $\alpha = 0/05$ ).  
کلیدواژگان: هیجان خواهی، شوخ طبعی، نگرش دینی، اضطراب مرگ، دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان.

zeinab.vafaei@yahoo.com

\* کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی.

\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

\*\*\* استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان.

دریافت: ۱۳۹۰/۴/۸ - پذیرش: ۱۳۹۰/۸/۲۱

**مقدمه**

تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد برای انسان حوادثی پیش می‌آید که در اختیار او نیست و سرنوشت حتمی او است. یکی از این حوادث، مرگ است که با تحلیل‌های متفاوتی رویه‌رو است. بعضی آن را مرحله‌ای از مراحل زندگی انسان بر می‌شمرند و برخی آن را پایان زندگی قلمداد می‌کنند. گرچه به نظر می‌رسد، کسانی که به دیدگاه اول معتقدند کمتر باید از این مسئله نگران باشند، اما واقعیت این است که عموماً پیروان هر دو دیدگاه از فکر کردن درباره مرگ دچار اضطراب می‌شوند. درست است که به طور طبیعی انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر، به دلیل بی‌تجربگی از مرحله جدید تشویش و ناآرامی نسبی به وجود می‌آورد و این وحشت در انتقال از عالم رحم به عالم ماده نیز بر اساس آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، وجود داشته و از وحشتناک‌ترین مواضع به حساب آمده است، اما این وحشت دوره نسبتاً کوتاهی داشته که به مرور زمان پایان یافته و حتی وحشت به لذت از بهره‌مندی نعمت‌های دنیا تبدیل شده است. درباره مرگ، برای عموم انسان‌ها این تصور پدید نیامده است که دوره وحشت کوتاه خواهد بود و تردید و اضطراب بالا در انسان‌ها کاملاً مشهود است.

آنچه در این زمینه به بررسی و تحلیل نیازمند است، دو عامل است که یکی در بعد عواطف و هیجان‌ها و دیگری در بعد نگرش انسان است.

هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی، نگرش مذهبی و اضطراب مرگ، مفاهیمی هستند که همواره محققان حوزه روان‌شناسی بدان توجه کرده و در پی شناخت رابطه این متغیرها بوده‌اند. موضوع مطالعه این پژوهش، بررسی رابطه هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش مذهبی با اضطراب مرگ است. این پژوهش در پی پاسخگویی به سؤالاتی است که ارتباط متغیرهای هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش مذهبی را با اضطراب مرگ در قشر دانشجو تبیین می‌کند و به صورت مشخص به تعیین رابطه هیجان‌خواهی با اضطراب مرگ، رابطه‌ی شوخ‌طبعی با اضطراب مرگ و رابطه‌ی نگرش مذهبی با اضطراب مرگ در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه شهید باهنر کرمان می‌پردازد.

**الف) هیجان‌خواهی**

هیجان‌ها پاسخ‌های فیزیولوژی درونی هستند که ادراک، یادگیری و عملکرد ما را تحت تأثیر قرار می‌دهند. کسی که حتی یک‌بار تجربه هیجانی داشته باشد، می‌داند که مهم‌ترین

تغییرهایی که هنگام هیجان در بدن ظاهر می شود، تغییرهای داخلی است. طبق نظر زاگرن<sup>۱</sup> (۱۹۷۹م) ساختار هیجان خواهی به مقدار انگیزندگی که دستگاه عصبی مرکزی شخص (مغز و نخاع شوکی) از منابع بیرونی تحریک نیاز دارد، مربوط است. به اعتقاد وی «هیجان خواهی صفتی است که ویژگی آن، نیاز به هیجان و تجربه های متنوع، جدید و پیچیده و میل اقدام به خطرهای جسمانی و بدنی به خاطر خود این تجربه هاست»<sup>۲</sup>. هیجان خواهی از زمانی که توسط زاگرن و همکارانش در سال ۱۹۶۴م، معرفی شده، علایق و پژوهش های فراوانی را به وجود آورده است. زاگرن<sup>۳</sup> پیشنهاد می کند که ساختار هیجان خواهی به جای اینکه ساختاری واحد باشد، مجموعه مؤلفه های به هم پیوسته است که عبارت اند از:

۱. هیجان زدگی و ماجراجویی (TAS): هیجان زدگی و ماجراجویی تمایل پرداختن به فعالیت های جسمانی و ماجراجویی است. این فعالیت ها شامل فعالیت های بیرونی و غیر رقابتی است که خطر، چالش شخصی و خطرپذیری در آن است.<sup>۴</sup>
۲. تجربه جویی (ES): جست و جوی تجربه که ممکن است با اصطلاح هیپی<sup>۵</sup> مشخص شود، ماهیتش کسب تجربه برای خود تجربه است.<sup>۶</sup>
۳. بازداری زدایی (Dis): این عامل که لذت طلبی نام گذاری شده است، به تمایل بازداری یا جلوگیری نکردن شخص از جست و جوی لذت در موقعیت های اجتماعی مربوط می شود.
۴. حساسیت به یکنواختی (BS): این عامل به بیزاری از هر نوع کار عادی، چه یکنواختی در کار شخص باشد یا تجربه تکراری و یا رویاروشدن با مردم کسل کننده، مربوط می شود. هنگامی که اوضاع تغییر نمی کند، شخص حساس به یکنواختی، بقرار شده و تحمل اوضاع را ندارد.
۵. هیجان خواهی عادی: منظور از هیجان خواهی تمایل فرد برای شروع و انجام فعالیت های مخاطره انگیز یا ماجراجویانه، جست و جویی در زمینه تجارب حسی تازه، لذت بردن از هیجان ناشی از تحریک های اجتماعی و اجتناب از کسل شدن است. فردی که این خصوصیات را داشته باشد، هیجان خواه نامیده می شود.<sup>۷</sup>

### ب) نظریه های روان شناختی شوخی

مفهوم شوخی از زمان های بسیار گذشته مورد توجه بوده و دست کم به زمان ارسطو در چهار قرن قبل از میلاد مسیح باز می گردد. افلاطون و ارسطو در این باره اشاره های دارند.

افلاطون شوخی را پدیده‌ای در نظر می‌گیرد که عناصر درد و لذت، به طور هم‌زمان در آن وجود دارد. ارسطو نیز معتقد است که در لطیفه‌ها و شوخی‌ها نوعی نهفتگی برای سوءاستفاده و آزار دیگران وجود دارد. این دیدگاه که در شوخی، طبیعتی وجود دارد که سرگرمی فرد از بدشانسی و بدبختی و ناتوانایی‌های دیگران نشئت می‌گیرد، به نوشته‌های فلسفی توماس هابز<sup>۱۲</sup> که به سه قرن پیش باز می‌گردد نسبت داده می‌شود.<sup>۱۳</sup>

به اعتقاد ویسونانت<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۸م) در باره علل خندیدن افراد و اینکه چه چیزی شوخ‌طبعی آنها را کنترل می‌کند، نظریه‌های متعددی وجود دارد. او چهار رویکرد نظری عمده روان‌شناختی را در تبیین علل روانی شوخی و شوخ‌طبعی در دیدگاه امروزی بیان می‌کند. در این نظریه‌ها هدف شوخی، آزادسازی تنش‌های درونی یا هیجانات لذت‌بخش است.<sup>۱۵</sup> این نظریه‌ها عبارت است از:

۱. **نظریه برتری:**<sup>۱۶</sup> خاستگاه این نظریه در آرای قدیم است. این نظریه توسط افلاطون مطرح شد و توماس هابز فیلسوف انگلیسی، آن را معتبر شناخت. بر اساس این نظریه، شوخی در درجه اول، روشی است برای ابراز غضب؛ بدین‌سان که هدف از شوخ‌طبعی و شوخی، توهین به مخاطب یا شخص ثالث است. صاحب‌نظران این رویکرد، معتقدند که شوخی به سبب آنکه جایگزین مناسبی برای روش‌های خشن‌تر و غیرمؤدبانانه‌تر ابراز خشم (نظیر توهین و ناسزاگویی) است، مثبت و پسندیده تلقی می‌شود.<sup>۱۷</sup> بر اساس این نظریه هیجان‌گرا، زمانی به لطیفه‌ای می‌خندیم یا صحنه‌ای ما را به خنده می‌اندازد که بتوانیم ناخودآگاه بر فرد یا گروهی که بر ما برتری یا تسلط دارند، چیره شویم. در واقع، خنده عکس‌العمل برتری موقتی انسان بر فرد یا گروه مسلط بر اوست. با لطیفه، فرد یا گروهی را که از آن متنفریم تحقیر می‌کنیم و هر چه فرد یا گروه مورد هجوم، منفورتر باشد، لذت حاصل از لطیفه، بیشتر است.<sup>۱۸</sup>

۲. **نظریه تخلیه هیجانی و آسودگی:**<sup>۱۹</sup> نظریه تخلیه هیجانی یا نظریه رهایی که توسط اسپنسر<sup>۲۰</sup> ارائه شد و فروید<sup>۲۱</sup> آن را معرفی کرد، از جمله مشهورترین نظریه‌هایی است که در مورد شوخ‌طبعی وجود دارد. بر اساس این نظریه، شوخی از نظر اجتماعی روشی پذیرفته، برای آزادسازی تنش و فشارهای عصبی است. طبق این نظریه، لطیفه، سازوکاری است که به کمک آن می‌توان عقده‌های سرکوب‌شده را دوباره بیدار کرد و با آزاد شدن این انرژی ذهنی، مخاطب لطیفه به رهایی می‌رسد. در واقع، طبق نظر فروید، پرچم‌دار این

نظریه، لطیفه نوعی سازوکار دفاعی‌بخش ناخودآگاه ذهن است و اثر روانی لطیفه از این رو اهمیت دارد که می‌تواند انرژی سرکوب‌شده ذهن را دوباره آزاد کند و ارضای روانی-ذهنی را به ارمغان آورد. همچنین او معتقد است که «خود»<sup>۲۲</sup> آنچه را به صورت محرّمات و تابو<sup>۲۳</sup> در آن سرکوب شده است، با مبتذل و عامیانه‌کردن آن به شکل لطیفه یا اشکال دیگر طنز، دوباره آزاد کرده و تنش درونی را به صورت موقت هم که شده، تشفی می‌دهد.<sup>۲۴</sup>

۳. نظریه ناهماهنگی و تباین<sup>۲۵</sup>: پیروان این نظریه بر این عقیده‌اند که شوخی از کنار هم گذاشتن و مقایسه دو یا چند مفهوم ظاهراً نامربوط در ذهن شوخی‌کننده حاصل می‌شود. روان‌شناسان طرف‌دار این نظریه معتقدند که دریافت مشابهت یا تفاوت بین امور، عامل شوخی است و از آنجا که شوخی معمولاً سبب تبدیل بحثی منطقی به بحثی نامربوط و بیهوده می‌شود، از این رو خنده‌آور می‌شود. به خوبی مشخص است که این نظریه با نظریه‌های نوین روان‌شناسان مطابقت‌هایی دارد. از نظر پیروان این نظریه، شوخ‌طبعی در موقعیت‌های فشارزا، پهنه دیدگاه فرد را به سوی حل هر چه مؤثرتر مشکلات و سازگاری بیشتر با محیط و فشارها گسترش می‌دهد. طبق این دیدگاه، شوخی در موقعیت‌های فشارزا موجب افزایش احساس تسلط، عزت نفس و اعتماد به خود می‌شود.<sup>۲۶</sup>

۴. نظریه الهیت<sup>۲۷</sup>: سرانجام جدیدترین نظریه در مورد شوخ‌طبعی، نظریه‌ای است که به اصطلاح، نظریه الهیت نامیده می‌شود. بر اساس این نظریه، شوخی توانایی‌ای است که باعث رها شدن فرد از آشفتگی، افزایش وحدت و اتحاد فرد با دیگران از طریق با هم خندیدن، برملا کردن حقیقت بی‌شائبه یک موقعیت، و تغییر روح و روان فرد می‌شود. در اصل، شوخی طبق نظریه، هدیه یا موهبتی از جانب خداوند برای انسان است.<sup>۲۸</sup>

### ج) دین‌داری و نگرش دینی

مسائل مربوط به جوانان از دیدگاه زیست‌شناسی، روان‌شناسی دینی و اخلاقی، اجتماعی و رفتاری قابل بررسی است. چند بعدی بودن حیات جوانان و اهمیت نقش آنها سبب شده است که دانشمندان و مربیان، بررسی‌های همه‌جانبه‌ای در باره آنان به عمل آورده، به زمینه‌های رشد و پرورش آنان توجه کنند. هر رفتاری از دو عامل مهم و گسترده درونی و بیرونی سرچشمه می‌گیرد: نگرش‌ها و فشار محیط. نگرش‌ها نوعی اصطلاحات انبار شده در باره رفتارهاست. شناخت عوامل محیطی معمولاً بهتر می‌تواند رفتار را پیشگویی کند تا

شناخت نگرش‌ها. عبارت دیگر، چنانچه از عوامل بیرونی شما آگاهی داشته باشیم، پیش‌بینی ما در باره رفتار، صحیح‌تر است تا اینکه از عوامل درونی و نگرش، آگاه باشیم. نگرش‌ها، به ویژه در مورد کسانی مؤثر است که معمولاً به نظریه‌ها و احساس‌های درونی خودشان بیش از درخواست‌های بیرونی توجه نشان می‌دهند. نگرش‌ها در شرایط مناسب می‌توانند بر رفتار تأثیر بگذارند، از این رو می‌توان رفتار دینی دانشجویان را با تعدیل نگرش‌هایشان تحت تأثیر قرار داد.<sup>۲۹</sup>

انسان‌شناسان در قرن‌های گذشته، انسان را «راست‌قامت»، «ابزارساز» و «سیاست‌ورز» تعریف می‌کردند، ولی امروزه او را «دین‌ورز» می‌شناسند، زیرا طبق جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، چه در افریقای جنوبی و مکزیک که تقریباً توسعه نیافته‌اند و چه در امریکا که از پیشرفته‌ترین جوامع بشری از نظر فرهنگ مادی شمرده می‌شود، بیش از ۹۵٪ انسان‌ها به وجود خداوند ایمان دارند. این واقعیت، نظریه‌ای را که مدعی بود با پیشرفت اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط می‌یابد، باطل می‌کند. دلیل دیگر برای دین‌ورز بودن سرشت انسان، این است که محققان هیچ قومی از اقوام بشری را نیافته‌اند که دین‌دار یا به هر حال، صاحب نوعی دین نبوده باشند.<sup>۳۰</sup>

به‌رغم اینکه دین در طول سال‌های تعیین‌کننده برای روان‌شناسی، مورد توجه و علاقه بسیاری از دانشمندان، از جمله ویلیام جیمز و استانی هال<sup>۳۱</sup> قرار گرفت، اما در تحقیقات روان‌شناسی به دین و نقش آن در مورد شفای انسان و اساس وجودی آن، توجه زیادی نشده است. به طور کلی داشتن مذهب موجب ایجاد معنا، امیدواری، احساس کنترل، سبک زندگی سالم‌تر و پذیرفته‌شدن از سوی دیگران و ایجاد حمایت اجتماعی می‌شود، مذهب همچنین عامل مهمی برای پایبندی فرد به اصول اخلاقی، کاهش فحشا و دوری از بزهکاری شمرده می‌شود.<sup>۳۲</sup>

نگرش دینی را می‌توان از منظر برداشت‌های کارکردگرایانه<sup>۳۳</sup> تعریف کرد. دورکیم می‌گوید: دین نه تنها اطمینان و اعتماد خارج از حد در افراد ایجاد می‌کند، بلکه نقش مهمی در رابطه فرد با گروه و پایبندی تطابق افراد با جامعه دارد، از این رو وی کارکرد تازه‌ای برای دین قائل می‌شود و آن ایجاد اعتماد و اطمینان و سازگاری فرد با گروه و ارتباط آنها با یکدیگر است. توجیه کارکردی دورکیم این است که نقش و وظیفه دین، نه تنها در همبستگی اجتماعی غیرقابل انکار است، بلکه در حل و فصل مشکلات اجتماعی، ایجاد و

یگانگی و نیز معنویتی که در جامعه به وجود می‌آورد، سخت اهمیت دارد. علاوه بر این، دین موجب ثبات، استمرار و پایداری جامعه می‌شود. دورکیم می‌گوید: یکی از خصوصیات امر اجتماعی این است که قبل از افراد و بعد از افراد وجود داشته و دارد و در میان نهادهای اجتماعی، دین بیشتر از همه، این خصوصیات را دارد. در نتیجه، دین در استمرار این کارکرد در جوامع بشری از گذشته به آینده، نقش داشته، آن را تعمیم می‌دهد.<sup>۳۴</sup>

بنابر این، نگرش دینی، نگرشی است که فرد با توجه به قدرت معنوی، قدرت دنیوی را تقدیس و تعدیل می‌کند و به انسان گوشزد می‌نماید که سلسله مراتب استعدادها در برابر سلسله مراتب شایستگی‌های اخلاقی چیزی نیست. نگرش دینی، نگرشی است که موجب توجه به قدرت معنوی شده و به سبب آن، اعتماد و اطمینان فرد و سازگاری وی با جامعه تأمین می‌شود. نگرش دینی، نگرش به امور ماورایی است که به موجب آن، مشکلات روحی حل شده، و احراز و تقویت آن موجب یگانگی، استمرار و پایداری فرد در جامعه می‌شود. به طور کلی نگرش دینی عبارت است از: اعتقادات منسجم و یک‌پارچه توحیدی که خداوند را محور امور می‌داند. ارزش‌ها، اخلاقیات، آداب و اعمال مربوط به مناسب‌های دینی، با همدیگر مجموعه‌ای روانی و اجتماعی تشکیل می‌دهند که همان «سنت‌گرایی» یا «دین‌داری» است.<sup>۳۵</sup>

#### **(د) مرگ و هراس از آن**

مرگ، رویداد مهم و نهایی زندگی است. مردن از لحاظ فیزیولوژیکی به منزله توقف کارکردهای کامل حیاتی است، ولی از لحاظ روان‌شناختی، ممکن است برای افراد مختلف، معنای متفاوتی داشته باشد. مردن به معنای از دست دادن عزیزان، توقف فعالیت‌های زندگی، رهاکردن تجربه‌ها و ورود به دنیایی ناشناخته است. روان‌شناسان تا آغاز نیمه دوم قرن معاصر مفهوم مرگ را مرحله انتقالی در چرخه زندگی نمی‌دانسته و حتی بررسی آن را چندان خوشایند نمی‌دیدند، اما در سی سال اخیر، مرگ به طور جدی در حوزه روان‌شناسی رشد بررسی شده است. در گذشته‌های دور، مردن رویدادی ملموس و قابل رؤیت بود، چرا که بیشتر مردم در خانه‌های شخصی و در کنار خانواده خود می‌مردند و کلیه تشریفات خاک‌سپاری آنها نیز به عهده اعضای خانواده بود، اما در قرن بیستم - دست‌کم در کشورهای صنعتی - مرگ به صورت یک رویداد غیرقابل رؤیت درآمده است،

زیرا بسیاری از افراد در بیمارستان‌ها جان سپرده و مراسم کفن و دفن آنها نیز توسط افرادی با حرفه‌های خاص صورت می‌گیرد و اطرافیان صرفاً بعد از انجام مراسم تدفین در تشریفات مربوطه شرکت می‌جویند. بدین ترتیب، مرگ در بسیاری از فرهنگ‌های جهان رویدادی است که مردم از آن اجتناب نموده و گویی منکر واقعیت آن هستند.<sup>۳۶</sup>

درباره هراس از مرگ طی پنجاه سال گذشته به طور گسترده پژوهش و تحقیق انجام شده است، با این حال، هنوز تعریف دقیقی از این مفهوم به دست نیامده است. یکی از ابتدایی‌ترین تعریف‌ها هراس از مرگ را واکنشی هیجانی مشتمل بر احساسات و نگرانی‌های ذهنی ناخوشایند ناشی از تفکر در خصوص مرگ می‌داند. هراس از مرگ را احساس ناراحتی توأم با ترسی که معطوف به مرگ خود یا دیگران است و همچنین همراه با در نظر گرفتن مرگ به عنوان پایان حیات و همچنین تجسم مراسم تدفین و جسد خود، تعریف می‌کنند. این هراس، نوعی ناراحتی و ناایمنی هیجانی به وسیله افراد سوگوار است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود گرچه این تعریف‌ها با یکدیگر تفاوت دارند، ولی همگی آنها در دو موضوع اشتراک دارند: ترس و احساس ناراحتی.<sup>۳۷</sup>

### ابعاد هراس از مرگ

هراس از مرگ، ابعاد مختلفی دارد. در همین راستا معتمدی (۱۳۸۷)،<sup>۳۸</sup> نه بُعد از ابعاد آن را به شرح زیر توصیف کرده است:

۱. **ترس از ناشناخته:** فروید (۱۹۱۵م) معتقد بود که ناخودآگاه مرگ را نمی‌شناسد و خود را جاودانه می‌پندارد. ترس از ناشناخته، با مرگ ناشناختنی ارتباط ندارد، بلکه از ناشناختگی زوال خویشتن، بودن و هویت سرچشمه می‌گیرد. این احساس ژرف به سرمای درونی یا لرزشی در اعماق وجود تشبیه شده است که از وقوف ناگهانی ما بر این حقیقت حاصل می‌شود که عدم وجود یا نیستی ما امری کاملاً محتمل است.

۲. **ترس از مرده:** ترس از مرده و روح، گاه به صورت مستقیم تظاهر می‌یابد. در بروز این ترس علاوه بر واکنش فرد، باورهای اجتماعی و رسوم مذهبی نیز مؤثر است. ژاپنی‌ها در گذشته از مردگان ترس داشته، آنان را می‌پرستیدند، زیرا بر آن باور بودند که بسیاری از مصائب در این جهان، از اراده اموات نشئت می‌گیرد. بنابر این، برای رام کردن مردگان در قبور آنها اشیای گران‌بها گذاشته، در برابر الواح آنان دعا می‌خواندند.



۳. **ترس از تنهایی:** هنگامی که فردی بیمار است در او نوعی احساس انزوا و جدایی از دیگران به وجود می‌آید که با این واقعیت که سایر افراد نیز به اجتناب و دوری از او تمایل دارند، تقویت می‌شود. این دوری جستن متقابل، هنگامی که فردی در حال مرگ است به مراتب آشکارتر می‌شود. انزوای همراه با مردن تنها پدیده‌ای روان‌شناختی نیست، بلکه انعکاسی از فرهنگ شهری و تکنولوژی پزشکی موجود نیز هست که روند مردن را به جریان‌های ماشینی و غیرانسانی تبدیل کرده است. فرهنگ دوران معاصر، نعمت مردن در خانه و خانواده خود را از ما دریغ می‌کند. در حال حاضر، بیشتر مرگ‌ها در انزوای اطاق‌های بیمارستان‌ها رخ می‌دهد.

۴. **ترس از دست دادن خانواده و دوستان:** مرگ قریب‌الوقوع، بیمار را با واقعیت هولناک از دست دادن خانواده و دوستان خود روبه‌رو می‌سازد، چنان‌که گویی آنها در حال مردن هستند، از این رو ممکن است در برابر این حالت، نوعی سوگواری با روند خاص خود به وجود آید.

۵. **ترس از دست دادن بدن:** از آنجا که بدن بخش عمده‌ای از خودنگاره ما را در ذهن می‌سازد، هنگامی که بر اثر بیماری در آن تغییری به وجود می‌آید، نه تنها فقدان یک عملکرد بدنی حس می‌شود، بلکه نوعی احساس روان‌شناختی از دست دادن یک پارچگی خویش نیز حاصل می‌شود. این ترس موجب بروز احساس شرمساری، بی‌کفایتی، زشتی و از دست دادن اعتماد به نفس می‌شود. انسان، پیچیدگی و ابهام را به هیچ صورتی بر نمی‌تابد، از این رو تحمل ابهام ناشی از تغییر شکل عملکردهای بدنی نیز بسیار دشوار است.

۶. **ترس از دست دادن مهار خویشتن:** اما توانایی نظارت شخص بر اعمال و احساساتش بر اثر پیشرفت بیماری کاهش می‌یابد. این حالت، به‌خصوص هنگامی به وجود می‌آید که توانایی‌های ذهنی نیز تحت تأثیر بیماری قرار گرفته باشد. در رویارویی با تجربه مردن و از دست دادن مهار بدن، کاهش احساس آگاهی باعث ایجاد اضطراب و ترس می‌شود که برای بیمار تهدید کننده است. در چنین شرایطی، فرد در موقعیت ناراحت کننده‌ای قرار می‌گیرد که با وابستگی و بی‌کفایتی مشخص می‌شود و احساس می‌کند که دیگر سرنوشت خود را در دست ندارد و قدرت خویشتن را از دست داده است.

۷. **ترس از درد:** فکر مردن همراه با رنج، ترس زیادی را برمی‌انگیزد. بیشتر افراد در پاسخ به این سؤال که چگونه مرگی را آرزو می‌کنند، خواهان پایان آرام و فارغ از رنج یا مرگی

سریع هستند. بسیاری مرگ در خواب را ترجیح می‌دهند و بعضی تمایل دارند تا برای وداع با جهان، فرصتی داشته باشند. تصور مردن، بیشتر در تصاویر و تعبیری، مانند "عذاب مرگ" منعکس می‌شود که تصویری تحریف شده و بیشتر از اهمیت این وضعیت نشئت می‌گیرد تا واقعیت آن، زیرا در حقیقت، بسیاری از شرایط کشنده همراه تشویش و ناآرامی نیستند.

۸. ترس از دست دادن هویت: از دست دادن روابط انسانی، خانواده، دوستان، ساختمان‌ها و کارکردهای بدنی مهار خویشتن و یکپارچگی آگاهی، همه با هم احساس هویت فرد را تهدید می‌کنند. وجود تماس‌های انسانی نشان می‌دهد که ما که بوده‌ایم. روند مردن با تهدیدهای متعددی نسبت به هویت بیمار، همراه است و این پرسش را مطرح می‌کند که چگونه فرد می‌تواند هویت و یکپارچگی خود را در برابر نیروهای منهدم‌کننده حفظ کند؟

۹. ترس از واپس‌روی: ترس از غرایز درونی نیز وجود دارد؛ غرایزی که می‌خواهند فرد را به گذشته بازگردانند و او را از جهان واقعی به حالتی از هستی هدایت کنند که از سلطه زمان و مکان آزاد است و در آن، میان خویشتن و دیگران مرزی وجود ندارد. من یا خود، علیه این بی‌خویشتنی و بازگشت قهقرایی به مبارزه برمی‌خیزد. فروید این پدیده را گزینه «مرگ» یا «تاناتوس» می‌نامید. به‌رغم ابعاد فرا روان‌شناختی این پدیده، هر روز صبح آن را هنگام برخاستن از خواب تجربه می‌کنیم.

اهمیت رشد و پرورش شخصیتی سالم بر هیچ‌کس پوشیده نیست، از این رو با توجه به اینکه «اختلالات جسمی از تأثرات روحی نشئت می‌گیرد (نظریه روان‌فیزیولوژیایی)، و این دو جزء از هم لاینفک هستند، توجه به هیجان‌ات و اضطراب، به ویژه اضطراب مرگ، که با جسم فرد ارتباط مستقیم دارند، اهمیت ویژه‌ای دارد و اهمیت و ضرورت این پژوهش موقعی روشن می‌شود که درصدد ارتباط فکری- روحی (نظیر هیجان‌ات و اضطراب‌های افراد) و سرانجام ارائه طرح‌ها و خدمات به افرادی باشیم که نیازمند مطلع شدن این ارتباط‌ها هستند.

#### **(د) روش تحقیق**

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - همبستگی است. جامعه آماری مورد نظر نیز کلیه دانشجویان (دختر و پسر) مشغول به تحصیل (شانزده هزار نفر) در دانشگاه شهید باهنر کرمان در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ هستند. در روش نمونه‌گیری نیز از روش خوشه‌ای چند

مرحله‌ای، تصادفی استفاده شده است؛ بدین صورت که ابتدا از بین دانشکده‌های دانشگاه، به طور تصادفی چند دانشکده انتخاب شده (پنج دانشکده: ادبیات و علوم انسانی، فنی مهندسی، هنر، علوم و کشاورزی)، سپس از هر دانشکده به نسبت تعداد دانشجویان آن دانشکده، چندکلاس به صورت تصادفی انتخاب و از بین افراد حاضر در کلاس‌های دانشکده چند نفر به شیوه تصادفی انتخاب شده‌اند. نمونه آماری، با استفاده از جدول کرجسی-مورگان، ۳۷۵ نفر (۲۲۳ دختر و ۱۵۲ پسر)، از مقاطع مختلف تحصیلی (کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا) هستند.

## ه) ابزارهای تحقیق

### ۱. پرسش‌نامه هیجان‌خواهی

این مقیاس، شش فرم مختلف دارد. در اینجا از فرم پنجم آن استفاده می‌شود که برای ارزشیابی عوامل هیجان‌خواهی تهیه شده و از چهار عامل فرعی هیجان‌زدگی و ماجراجویی، تجربه‌جویی، بازداری‌زدایی و بی‌زاری از یک‌نواختی تشکیل شده است و چهل مقوله دویخشی دارد. اجزاء هر ماده تست با دو جزء الف و ب از هم مجزا و مشخص می‌شوند، به طوری که آزمودنی‌ها می‌توانند به یک جزء از هر ماده تست پاسخ دهند.<sup>۳۹</sup> پایایی این آزمون در پژوهش حاضر با استفاده از روش پیش‌آزمون و ضریب همبستگی کرونباخ ۸۴٪ به دست آمده است.

### ۲. پرسش‌نامه شوخ‌طبعی

متغیر شوخ‌طبعی با استفاده از پرسش‌نامه شوخ‌طبعی مارتین ۲۵ گویه دارد. برای اینکه پرسش‌ها جنبه کمی پیدا کند، هر پرسش به صورت هفت درجه‌ای از کاملاً موافقم (نمره هفت) تا کاملاً مخالفم (نمره یک) طراحی شده است. مجموع نمره‌دهی هر آزمودنی در کل پرسش‌نامه، حداقل ۲۵ و حداکثر ۱۷۵ است و برای هر بعد، حداقل ۵ و حداکثر ۲۵ است. بدین ترتیب، نمره بالا نشان‌دهنده شوخ‌طبعی بیشتر است.

پایایی و روایی مقیاس شوخ‌طبعی: به منظور برآورد پایایی آزمون، ابتدا پرسش‌نامه ۲۵ سؤالی شوخ‌طبعی روی چهل نفر (بیست نفر زن و بیست نفر مرد) که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از جامعه آماری مورد پژوهش انتخاب شده بودند، اجرا شد و سپس با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ همسانی درونی ۸۸٪ به دست آمد. روایی این ابزار نیز با

استفاده از روش تحلیل عوامل (به ترتیب برای پنج عامل: ۰/۴۶، ۰/۵۹، ۰/۴۹، ۰/۳۹ و ۰/۵۹) به دست آمد که میزان قابل قبولی است.<sup>۴۱</sup>

### ۳. پرسش‌نامه نگرش مذهبی

پرسش‌نامه نگرش مذهبی توسط خدایاری فرد (۱۳۷۳) تهیه شده، شامل چهار سؤال در خصوص حیطه‌های عبادات، اخلاقیات، ارزش‌ها، اثر مذهب در زندگی و رفتار انسان، مباحث اجتماعی، جهان عینی و باورها، علم و دین است. نمره‌گذاری بر اساس روش لیکرت با گزینه‌های همیشه، اغلب، معمولاً، به ندرت و هرگز تنظیم شده است.

پایایی و روایی مقیاس نگرش سنج مذهبی: ضریب پایایی در این پرسش‌نامه به روش دونیم‌سازی برابر ۰/۸۸ و به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ بوده است. ضرایب پایایی پرسش‌نامه و همه ابعاد آن در حد مطلوب و رضایت‌بخش بودند (۰/۱ < p). همچنین ضریب همبستگی نمره هر یک از موارد با نمره کل پرسش‌نامه در سطح ۰/۱ < p معتبر است و پایایی با دو روش اسپیرمن، براون و گاتمن برابر با ۰/۹۳ و ۰/۹۴ بوده و همچنین ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۵ بوده است.<sup>۴۱</sup>

### ۴. پرسش‌نامه اضطراب مرگ

مقیاس اضطراب مرگ تمپلر ابزاری برای اندازه‌گیری اضطراب مربوط به مرگ بوده که بیشترین کاربرد را در نوع خود داشته است. این مقیاس، پرسش‌نامه‌ای خوداجرایی متشکل از پانزده سؤال بلی - خیر است و پاسخ بلی نشانه وجود اضطراب در فرد است. دامنه نمره‌های این مقیاس از صفر تا پانزده است و نمره زیاد (نمره بالاتر از متوسط "نمره ۸") معرف درجه‌ی بالایی از اضطراب مرگ است. این پرسش‌نامه توسط رجیبی و بحرانی (۱۳۸۰) به فارسی برگردانده شده است.

پایایی و روایی پرسش‌نامه اضطراب مرگ: بررسی‌های به عمل آمده درباره اعتبار مقیاس اضطراب مرگ، نشان می‌دهد که این مقیاس از اعتبار قابل قبولی بهره‌مند است. ساینو و کلاین<sup>۴۲</sup> (۱۹۹۶م)، ضرایب آلفای کرونباخ را برای عامل‌های سه‌گانه‌ای که با روش تحلیل عوامل و ویرایش ایتالیایی این مقیاس به دست آورده‌اند، به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۴۹ و ۰/۶۰ گزارش کرده‌اند. تمپلر (۱۹۷۰م) ضریب بازآزمایی مقیاس را ۰/۸۳ به دست آورده است.<sup>۴۳</sup>

## و) یافته‌های پژوهش

جدول ۱: همبستگی پیرسون میان هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ

متغیر	اضطراب مرگ	هیجان خواهی	شوخ طبعی	نگرش دینی
اضطراب مرگ	۱			
هیجان خواهی	$r = -0.363^*$	۱		
شوخ طبعی	$r = 0.408^*$	$r = -0.67$	۱	
نگرش دینی	$r = -0.380^*$	$r = -0.39$	$r = -0.121^*$	۱

$P < 0.05^*$

همان‌طور که در جدول ۱، مشاهده می‌کنید، در سطح  $\alpha = 0.01$  رابطه بین هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ دانشجویان معنادار است. بنابر این، فرض عدم وجود رابطه میان اضطراب مرگ با هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی دانشجویان در سطح  $\alpha = 0.01$  رد می‌شود و با اطمینان ۹۹٪ رابطه معناداری بین اضطراب مرگ با هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی دانشجویان وجود دارد ( $P < 0.05$ ). با توجه به اینکه ضریب همبستگی پیرسون میان اضطراب مرگ و هیجان خواهی دانشجویان  $-0.363$  است، به دست آمده است، می‌توان با اطمینان ۹۹ درصد نتیجه گرفت که رابطه میان هیجان خواهی و اضطراب مرگ دانشجویان منفی است و افزایش هیجان خواهی دانشجویان با کاهش اضطراب مرگ آنها همراه است. همچنین با توجه به اینکه ضریب همبستگی پیرسون بین شوخ طبعی و اضطراب مرگ  $0.408$  است، می‌توان با اطمینان ۹۵٪ نتیجه گرفت که رابطه میان شوخ طبعی و اضطراب مرگ دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان مثبت است؛ به این بیان که با افزایش میزان شوخ طبعی دانشجویان، اضطراب مرگ آنها نیز افزایش می‌یابد. سرانجام با توجه به اینکه ضریب همبستگی پیرسون بین نگرش دینی و اضطراب مرگ  $-0.380$  است، می‌توان با اطمینان ۹۹٪ نتیجه گرفت که رابطه میان نگرش دینی و اضطراب مرگ دانشجویان منفی است و اضطراب مرگ دانشجویان به سبب افزایش سطح نگرش دینی آنان کاهش می‌یابد.

جدول ۲: رابطه رگرسیون میان هیجان خواهی، شوخ طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار آماره F
رگرسیون	۶۸۷/۵	۱	۶۸۷/۵	*۷۴/۴
باقیمانده	۳۴۴۷/۵	۳۷۳	۹/۲	
کل	۴۱۳۴/۹	۳۷۴		
رگرسیون	۱۱۵۵/۹	۲	۵۷۷/۹	*۷۲/۲
باقیمانده	۲۹۷۹/۱	۳۷۲	۸	
کل	۴۱۳۴/۹	۳۷۴		
رگرسیون	۱۵۸۷/۴	۳	۵۲۹/۱	*۷۷/۱
باقیمانده	۲۵۴۷/۶	۳۷۱	۶/۹	
کل	۴۱۳۴/۹	۳۷۴		

$P < 0.05^*$

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، مقدار آماره F برای بهترین مدل رگرسیونی ۷۷/۱ به دست آمده که در سطح  $\alpha=0/05$  معنادار است ( $P < 0/05$ )، به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵٪ می‌توان اضطراب مرگ دانشجویان را با استفاده از هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی، آنها پیش‌بینی کرد.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون در مدل میان هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی با اضطراب مرگ

متغیر ملاک	گام	متغیر پیش‌بین	خطای انحراف استاندارد	مقدار آماره t	همبستگی جزئی	ضریب تعیین اصلاح شده	تغییرات ضریب تعیین
تغییرات هیجان‌خواهی	گام اول	شوخ‌طبعی	۰/۰۰۸	*۸/۶	۰/۴۰۸	۰/۱۶۴	۰/۱۶۶
	گام دوم	شوخ‌طبعی	۰/۰۰۷	*۸/۷	۰/۴۱۳	۰/۲۷۶	۰/۱۱۳
		هیجان‌خواهی	۰/۰۲۸	*-۷/۶	-۰/۳۶۹		
	گام سوم	شوخ‌طبعی	۰/۰۰۷	*۸/۴	۰/۴۰۱	۰/۳۷۹	۰/۱۰۴
		هیجان‌خواهی	۰/۰۲۶	*-۸	-۰/۳۸۴		
		نگرش دینی	۰/۰۰۵	*-۷/۶	-۰/۳۸۱		

$P < 0/05^*$

همان‌طور که در جدول ۵، مشاهده می‌شود، در گام اول، رگرسیون گام به گام متغیر شوخ-طبعی که بیشترین همبستگی جزئی معنادار را با اضطراب مرگ دارد، وارد مدل رگرسیونی شده، در گام دوم، متغیر هیجان‌خواهی و در گام سوم، متغیر نگرش دینی به مدل رگرسیونی اضافه شده است.

با توجه به ضریب تعیین مربوط به گام سوم در جدول ۳، می‌توان گفت ۳۷/۹ درصد از تغییرات نمره اضطراب مرگ دانشجویان با استفاده از میزان شوخ‌طبعی، هیجان‌خواهی و نگرش دینی آنها تبیین می‌شود.

جدول ۴: آزمون t مستقل، مقایسه میانگین هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی، نگرش دینی و اضطراب مرگ دانشجویان پسر و دختر

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری دوطرفه
هیجان‌خواهی	پسر	۱۹/۴۱	۵/۶۳	*۲/۸	۳۷۳	$P=0/005$
	دختر	۱۷/۸۴	۴/۹۷			
شوخ‌طبعی	پسر	۱۲۲/۷۹	۱۹/۶۲	*۳/۲	۳۷۳	$P=0/001$
	دختر	۱۱۶/۱	۱۹/۶۷			
نگرش دینی	پسر	۱۴۱/۷	۲۷/۳۷	*-۲/۹	۳۷۳	$P=0/003$
	دختر	۱۴۹/۷۶	۲۴/۴۷			
اضطراب مرگ	پسر	۷/۹۷	۳/۴۴	-۰/۱	۳۷۳	$P=0/930$
	دختر	۸	۳/۲۶			

با توجه به جدول ۴ می‌توان نتیجه گرفت با اطمینان ۹۵٪ میان هیجان‌خواهی، شوخ‌طبعی و نگرش دینی دانشجویان پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد. پس از مقایسه میانگین‌های مربوطه با اطمینان ۹۵٪ دریافتیم که هیجان‌خواهی و شوخ‌طبعی دانشجویان پسر در مقایسه با دانشجویان دختر بیشتر بوده و نگرش دینی دانشجویان دختر بیشتر از دانشجویان پسر است.

### نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش در خصوص رابطه منفی هیجان‌خواهی با اضطراب مرگ با تحقیقاتی، نظیر پژوهش برک هارد، بری و ریموند<sup>۴۴</sup> (۱۹۷۸م)، برنک استورن و کربک<sup>۴۵</sup> (۱۹۷۵م) و فرانکن<sup>۴۶</sup> (۱۹۹۹م) همسوست و با پژوهش کورتس و جیمز<sup>۴۷</sup> (۱۹۷۸م) ناهم‌سوست. همچنین نتایج با بخشی از پژوهش چیاسون<sup>۴۸</sup> (۲۰۰۲م)، ایبل<sup>۴۹</sup> (۲۰۰۲م)، کارول و اشمیت<sup>۵۰</sup> (۱۹۹۲م) مبنی بر رابطه مثبت شوخ‌طبعی و اضطراب ناهمخوان است و در باره رابطه مثبت شوخ‌طبعی بر اضطراب با تحقیق تورسون و پاول<sup>۵۱</sup> در سال ۱۹۹۳م و مگگی<sup>۵۲</sup> (۲۰۰۴م) همسوست. همچنین نتایج حاصل از این سؤال با بخش‌هایی از یافته‌های پژوهش لوکن‌هاف و همکاران<sup>۵۳</sup> (۲۰۰۹م)، گروسی‌فرشی<sup>۵۴</sup> (۱۳۸۵م) که بیان می‌دارد رابطه مثبت معناداری میان دین‌داری - معنویت با سلامت روان (اضطراب مرگ پایین) است، همخوانی دارد. همچنین با نتایج حاصل از پژوهش‌های سون سن<sup>۵۵</sup> که دریافت افرادی که فعالیت‌های مذهبی و باورهای دینی بنیادینی دارند در مقایسه با افرادی که فعالیت‌ها و باورهای دینی کمتری دارند، ترس از مرگ کمتری را تجربه می‌کنند. و همین‌طور با پژوهش کالیش (۱۹۶۳م)، مارتین و ایترمن (۱۹۶۵م) و جفر و همکاران (۱۹۶۱م) و اوسارک چوک و تاتز (۱۹۷۳م)<sup>۵۶</sup> که دریافتند خواندن انجیل و باور به معاد، با ترس از مرگ ارتباط منفی دارد، همسوست.

در توجیه این یافته‌ها می‌توان به این مطلب استناد کرد که همان‌طور که زاکرمن<sup>۵۷</sup> بیان می‌کند، هیجان‌خواهان بالا سوگیری خوش‌بینانه‌ای دارند؛ به این معنا که آنها رفتارشان را در حد پایین ریسک می‌دانند، پس آن‌گونه که گفته شد خطری حس نمی‌کنند که ترسی به خود راه دهند و شوخ‌طبعان نیز به سبب استفاده از مکانسیم شوخی تلاش می‌کنند که ترس خود را پنهان نمایند. فرد شوخ‌طبع به علت ترس زیاد، به شوخی پناه می‌برد، و به سبب

اینکه افراد شوخ طبع نیاز به اتفاقات و پدیده‌های شادی‌آور دارند تا استعداد شوخ طبعی آنان آشکار شود، بر این اساس از هر پدیده غم‌انگیزی دوری می‌کنند. خندیدن موجب رفع خشم و ناراحتی شده و ترس افراد را در شرایط هولناک مرتفع می‌سازد. شوخی باعث می‌شود تا ما احساسات مثبت، مانند شادی را جایگزین احساسات منفی چون خشم، افسردگی و اضطراب کنیم. یا شاید شوخ طبعان راه بهتری برای تسکین دردها و کاستن از رنج‌های جامعه خویش نیافته‌اند! افراد و گروه‌هایی از محققان در سراسر جهان در باره تأثیر ایمان به خدا، مذهب و محیط‌های مذهبی و آداب و رسوم دینی در سلامت روانی افراد، بهداشت روانی جامعه و ایجاد آرامش، به نتایج مثبت و قابل توجهی دست یافته و تقریباً تمامی این تحقیقات بر این موضوع اتفاق نظر دارند که در محیط‌های مذهبی و جوامعی که ایمان مذهبی آنها بیشتر است، میزان اضطراب و به خصوص ترس از مرگ، به طور محسوسی کمتر از میزان آنها در محیط‌ها و جوامع غیرمذهبی است. و چون افراد مذهبی زندگی را معنادارتر می‌یابند و امید به زندگی نزد آنان بیشتر است، پس اضطراب مرگ آنان کمتر است. مذهب برای افراد در برابر عوامل تنش‌زای محیطی نوعی سپر دفاعی ایجاد می‌کند و عقاید مذهبی سلسله گسترده‌ای از آثار مثبت روان‌شناختی در افراد ایجاد می‌کنند.<sup>۵۸</sup>

علامه طباطبایی معتقد است که شخص مؤمن بر تکیه‌گاهی استوار و پایه‌ای ویران نشدنی تکیه زده و امور خود را بر معارف حقه و اعتقادات غیرقابل شک و شبهه، مبتنی ساخته است. او در کارها طبق فرمان الهی اقدام می‌کند و چیزی را به خودش متعلق نمی‌داند تا ترس از بین رفتنش را داشته باشد. وی شخص بی‌ایمان را همچون افراد بی‌سرپرستی می‌داند که به کارشان رسیدگی نمی‌شود و خیالات و اوهام او را دچار اضطراب شدید می‌کند.<sup>۵۹</sup>



پی نوشت ها

1. Zuckerman, K.
  ۲. مارشال ریو، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، ص ۱۵۸.
  ۳. مرتضی عظیمی، بررسی رابطه بین هیجان خواهی، سبک های هویت و میزان اعتیادپذیری دانش آموزان پسر مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران، ص ۸۷-۶۰.
4. Trilled venture Seeking
  ۵. ابراهیم علیزاده، بررسی اعتبار و پایایی فرم کوتاه آزمون هیجان خواهی زاگرمین در دانشجویان پسر و دختر دانشگاه شهید چمران اهواز، ص ۴۱.
6. Experience Seeking
7. Hippy
  ۸. ناصر یوسفی، مقایسه سرسختی روان شناختی، هیجان خواهی و تیپ شخصیتی- رفتاری الف در میان مردان و زنان مبتلا به سرطان و افراد عادی ۴۰-۲۰ ساله مراجعه کننده به مرکز مشاوره و روان درمانی شهرستان اهواز، ص ۷۲.
9. Disinhibition
10. Boredom Susceptibility
  ۱۱. قاسم خالونی، بررسی رابطه بین هیجان خواهی و میزان رضایت زناشویی خانواده های شهرستان اراک، ص ۷ و ۸.
12. Thomas Hovves
  ۱۳. افسانه مطلب زاده، بررسی تأثیر شوخ طبعی بر سلامت روانی و شادمانی ذهنی در دانش آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز، ص ۱۹ و ۲۵ و ۵۸.
14. Whisonant, R. D.
  ۱۵. مهدیه سادات خشوعی، رابطه شوخ طبعی با سلامت روان در افراد ۲۰-۶۰ سال شهرستان اصفهان، ص ۲۰.
16. Superiority Theory
  ۱۷. سیدموسی گلستانه و حمدالله جایروند، بررسی رابطه شوخ طبعی با سلامت روانی در دانشجویان پسر ساکن در خوابگاه های دانشگاه شهید چمران، ص ۴۱.
  ۱۸. مهدیه سادات خشوعی، همان، ص ۲۲.
19. Relief Theory
20. Spencer
21. Freud
22. Ego
23. Taboo
  ۲۴. مهدیه سادات خشوعی، همان، ص ۲۳.
25. Incongruity Theory
  ۲۶. مهدیه سادات خشوعی، همان، ص ۲۴.
27. Divinity Theory
  ۲۸. مهدیه سادات خشوعی، همان.
  ۲۹. ر.ک: محمد زنگنه، بررسی و مقایسه رابطه میان نگرش نسبت به رشته تحصیلی، شغل آینده و عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته دبیری.
  ۳۰. زهرا علیرضایی، ساخت و هنجاریابی پرسش نامه نگرش سنج مذهبی دانش آموزان دبیرستانی شهرستان اصفهان، ص ۴۱.
31. James, W. & Hall, S.
  ۳۲. اکرم جشیره و وحیده عیدک زاده، مقایسه نگرش های مذهبی، افسردگی و اضطراب مرگ در بین دانشجویان دختر و پسر ساکن در خوابگاه های دانشگاه شهید چمران اهواز، ص ۴۱.

33. Functional

۳۴. رک: غلامعباس توسلی، ده مقاله در جامعه‌شناسی دینی و فلسفه تاریخ.
۳۵. زهرا علیرضایی، همان، ص ۴۸.
۳۶. حسن احدی و فرهاد جمهری، *روان‌شناسی رشد (جوانی، میانسالی، پیری)*، ص ۱۲۸.
۳۷. مسعود قربانعلی‌پور، *اثربخشی و مقایسه طرح‌واره درمانی و معنادرمانی بر هراس از مرگ در افراد مبتلا به خودکنداری*، ص ۶۰.
۳۸. غلامرضا معتمدی، *انسان و مرگ*، ص ۳۰-۵۱.
۳۹. علی فتحی آشتیانی و محبوبه داستانی، *آزمون‌های روانشناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، ص ۶۲.
۴۰. مهدیه‌سادات خشوعی، همان، ص ۸۰.
۴۱. محمد خدایاری فرد، *آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور*، ص ۱۴۴-۱۴۱.
42. Sayino & Kelaïen
۴۳. غلامرضا رجبی و محمود بحرانی، «تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۲۰، ص ۳۳۳.
44. Burkhardt, Barry & Raymond
45. Brank Storn & Krik
46. R. E. Franken, "SensationSeeking and the tendency to view the world as threatening, Personality and individual differences", *Personality and individual differences*, v 13, p 33.
47. Kurtz & James
48. P. Chiasson, "Using Humour in the second language Classroom", *The Internal Test Journal*, v 3, p 8.
49. M. Abel, "Humor, stress and coping strategies", *International Journal of Humor Research*, v 15, p 365.
50. J. Carroll & J. Shmidt, "Correlation between humorous coping style and health Psychological Reports", *Psychology Reports*, v 70, p 402.
51. J. Thorson & F. C. Powell, "Development and validation of a multidimensional sense of humor scale", *Journal of Clinical Psychology*, v 49, p 13-23.
52. D. McGhee et al., "A Personality based model of humor development during adulthood", *International Journal of Humor Research*, p 350.
53. C. E. Locknhoff, "Personality traits, spirituality/ Religiousness, and mental health among people living with HIV", *Journal of Personality*, v 5, p 1420.
۵۴. میرتقی گروسی فرشی، «لزوم توجه به ارزش‌های دینی در مشاوره و روان‌درمانی»، *پژوهشنامه علم‌مه*، ش ۳، ص ۹۹.
55. L. A. Kirk Patrick, *Attachment, Evolution an The Psychology of Religion*, p 212.
56. Ibid.
57. M. Zuckerman, "Item reversion in the Sensation Seeking Scale", *Journal of personality and differences*, v 20, p 515.
۵۸. محمد خدایاری فرد، همان، ص ۴۷-۴۶.
۵۹. هادی بهرامی احسان، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *مجله روان‌شناسی*، ش ۴، ص ۳۳۰.

## منابع

- احدی، حسن و فرهاد جمهری، روان‌شناسی رشد (جوانی، میانسالی، پیری)، چ ششم، تهران، نشر پردیس، ۱۳۸۶.
- بهرامی احسان، هادی، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی، اضطراب و حرمت خود»، *مجله روان‌شناسی*، ش ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۲۶-۳۴۷.
- توسلی، غلامعباس، *ده مقاله در جامعه‌شناسی دینی و فلسفه تاریخ*، تهران، نشر قم، ۱۳۶۹.
- جشیره، اکرم و وحیده عیدک زاده، *مقایسه نگرش‌های مذهبی، افسردگی و اضطراب مرگ در بین دانشجویان دختر و پسر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۳.
- خدایاری فرد، محمد، *گزارش آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دینداری در جامعه دانشجویی کشور*، دانشگاه تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۵.
- خالویی، قاسم، *بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی و میزان رضایت زناشویی خانواده‌های شهرستان اراک*، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۱.
- خشوعی، مهدیه‌سادات، *رابطه شوخ‌طبعی با سلامت روان در افراد ۶۰-۲۰ سال شهر اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان اصفهان، ۱۳۸۴.
- رجبی، غلامرضا و محمود بحرانی، «تحلیل عاملی سؤال‌های مقیاس اضطراب مرگ»، *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۲۰(۱)، شهریور ۱۳۸۰، ص ۳۴۳-۳۳۱.
- ریو، مارشال، انگیزش و هیجان، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، چ هشتم، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۸۷.
- زنگنه، محمد، *بررسی و مقایسه رابطه میان نگرش نسبت به رشته تحصیلی، شغل آینده و عملکرد تحصیلی دانشجویان رشته دبیری، کرمان، پژوهشکده تعلیم و تربیت*، ۱۳۷۷.
- عظیمی، مرتضی، *بررسی رابطه بین هیجان‌خواهی، سبک‌های هویت و میزان اعتیادپذیری دانش‌آموزان پسر مقطع پیش‌دانشگاهی شهر تهران*، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۸.
- علیرضایی، زهرا، *ساخت و هنجاریابی پرسش‌نامه نگرش‌سنج مذهبی دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان اصفهان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۲.
- علیزاده، ابراهیم، *بررسی اعتبار و پایایی فرم کوتاه آزمون هیجان‌خواهی زاگرمین در دانشجویان پسر و دختر دانشگاه شهید چمران اهواز*، پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۸.
- فتحی آشتیانی، علی و محبوبه داستانی، *آزمون‌های روانشناختی ارزشیابی شخصیت و سلامت روان*، تهران، بعثت، ۱۳۸۸.

قربانعلی پور، مسعود، اثربخشی و مقایسه طرحواره درمانی و معنادرمانی بر هراس از مرگ در افراد مبتلا به خودکنداری، پایان‌نامه دکتری (Phd)، روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۹.

گروسی فرشی، میرتقی، «لزوم توجه به ارزش‌های دینی در مشاوره و روان‌درمانی»، پژوهشنامه علامه، ش ۳، زمستان ۱۳۸۱، ص ۹۵-۱۰۶.

گلستانه، سیدموسی و حمدالله جابروند، بررسی رابطه شوخ‌طبعی با سلامت روانی در دانشجویان پسر ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه شهید چمران، پایان‌نامه کارشناسی، روان‌شناسی عمومی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۰.

مطلب‌زاده، افسانه، بررسی تأثیر شوخ‌طبعی بر سلامت روانی و شادمانی ذهنی در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز، ۱۳۸۱.

معمدی، غلامرضا، انسان و مرگ، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۸۷.

یوسفی، ناصر، مقایسه سرسختی روان‌شناختی، هیجان‌خواهی و تیپ شخصیتی- رفتاری الف در میان مردان و زنان مبتلا به سرطان و افراد عادی ۴۰-۲۰ ساله مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره و روان‌درمانی شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۸۱.

Abel, M., Humor, "Stress and coping strategies", *International Journal of Humor Research*, v 15(4), 2002, p 365-381.

Carroll, J. & J. Schmidt, "Correlation between humorous coping style and health Psychological Reports", *Psychology Reports*, v 70, Apr 1992, p 402-402.

Chiasson, P., "Using Humour in the second language Classroom", *The Internal Test Journal*, v3, 3, March 2002, pp 7-12.

Franken, R. E., "SensationSeeking and the tendency to view the world as threatening, Personality and individual differences", *Personality and individual differences*, v 13, January 1992, p 31-38.

Kirk Patrick, L. A., "Attachment, Evolution anThe Psychology of Religion", *Evolutionary Psychology*, v 4, July 2006, p 211-214.

Locknhoff, C. E., "Personality Traits, Spirituality/ Religiousness, and mental health among people living with HIV", *Journal of Personality*, v 77, oct 2009, p 1411-1436.

McGhee, D. et al., "A Personality based model of humor development during adulthood", *International Journal of Humor Research*, v 5(3), sep 1990, p 348-355.

Thorson, J. & F. C. Powell, "Development and validation of a multidimensional sense of humor scale", *Journal of Clinical Psychology*, v 49(1), January 1993, p 13-23.

Whisonant, R. D., *The Effects of Humor on Cognitive Learning in a Computere-Based Environment*, Virginia, Blacksburg, 1998.

Zuckerman, M., "Item reversion in the Sensation Seeking Scale", *Journal of Personality and Differences*, v 20(4), Apr 1996, p 515-528.